

# گردِ شهر؛ با چراغ

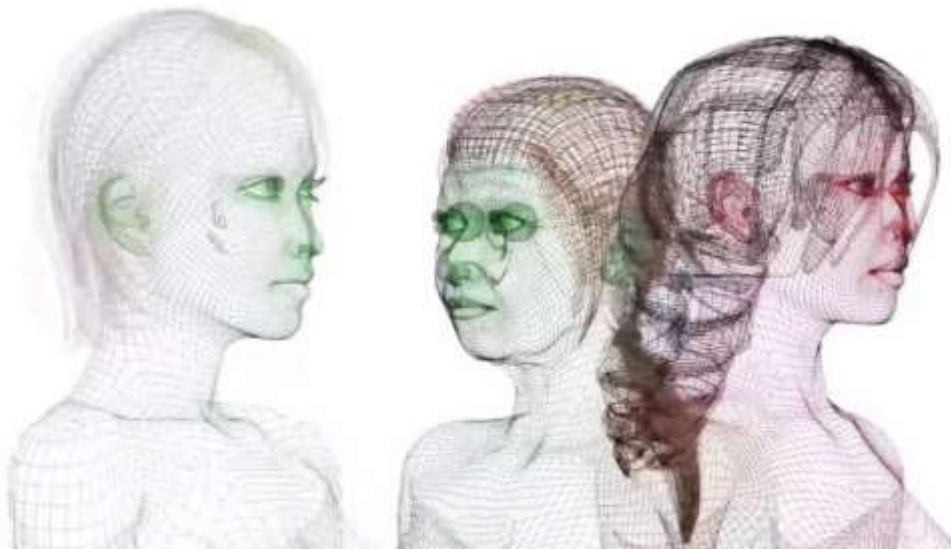
## (تأملی بر ویدیو آرت‌های نمایشگاه حیات - زن)

آرش حسن‌پور

### مقدمه:

نمایشگاه ویدیو آرت در گالری «اکنون» شهر اصفهان با عنوان «حیات - زن» از ۲۸ آبان ماه تا ۹ آذر به نمایش درآمد. آثار به نمایش درآمده محصول آکادمی بین‌المللی ویدیو آرت فم‌لینک<sup>۱</sup> کشور فرانسه بود. کیوریتور خارجی نمایشگاه را ورونیک ساپین و نمایشگاه گردانی گالری اکنون را مینو ایران‌پور برعهده داشت. در مجموعه جستارهای ذیل تلاش شده تا یادداشت‌های بر ویدیو آرت نگاشته و آثار به‌صورت اجمالی توصیف و خوانش شوند.

۱- ویدیو آرت با عنوان «جریان نرم یا سیال»<sup>۲</sup> بر نوعی همسانی و تشابه در ساختار وجود زنانه فارغ از تمایزات فرهنگی، نژادی، قومی، عقیدتی صحنه می‌گذارند. درواقع فیلم با تمهیدات و ابزارهای نرم‌افزاری و فضاسازی چندبعدی سعی می‌کند تمایزات صوری زنان را امری عرضی و تابعی نشان دهد (شمایل سرهای زنانه بصورت چند بعدی بر مداری گردش می‌کنند؛ ما فقط وجهی آناتومیگ و فیگور مانند از صورت زنانه می‌بینیم) و بر این امر دلالت کند که زن بودگی کلیتی است واحد و جهان‌شمول. از این منظر، ویدیو آرت نظریه‌ی فمینیستی دوروتی اسمیت را متبادر می‌سازد که معتقد بود «تمامی زنان از واقعیت زیست‌شناختی، روانی و اجتماعی مشترکی برخوردارند و بنابراین واجد تجربه جنسیتی مشترکی هستند». فیلم از این خلال خاص‌بودگی تجربه زنانگی اعم از ریختار و شخصیت و نظام‌های فرهنگی درونی شده نادیده می‌گیرد (سرکوب تفاوت‌ها) و قابل نقد و مباحثه می‌گردد.



<sup>1</sup> Femlink

<sup>2</sup> Fluid Flux: Evgenija Demnievska -Serbia

۲- ویدیو آرت بعدی با نام «مسیر دشوار»<sup>۳</sup> زن را در پس حائل‌ها و پرده‌هایی نشان می‌دهد. ما سایه‌ای از او را می‌بینیم. سایه‌ای پررنگ که در مرز حقیقت و مجاز است. حائل ضخیم‌تر از یک پرده سپید ساده است و چونان امری منجمد و مستحکم مانع از تحقق زن است. پرده به ضخامت و استحکام نرده‌های فلزی است. تلاش‌ها و کوشش برای عبور از مانع و زدودن آن بی‌معنا و ناممکن به نظر می‌رسد. در پس‌زمینه صدای عناصر طبیعی به گوش می‌رسد. گویی زن با طبیعت این‌همان می‌شود و توسط نظام‌هایی اسطوره‌ای؛ طبیعی. سایه به‌مرور محو می‌شود.



۳- در این ویدیو (O.O.O: Angelika Rinnhofer- Germany) پیوند زن و امری غیرانسانی بازنمایی شده است. زنانی سعی می‌کنند غشای (پوسته) تخم‌مرغی را به برون بکشند. تمایز درون و برون و پوسته و هسته معنادار به نظر می‌رسد. ویدیو تأملی است بر گریز از سطح به عمق. نوعی واکاوی. تجربه امر دور از دسترس اما واقعی. ویدیو نشانی از دیالکتیک پوست انداختن و کنده شدن پوست دارد.



<sup>3</sup> Passage Difficile: Mouna Jamal Siala -Tunisia

۴- ویدیو آرت بعدی با نام «برو و خودت را پیدا کن (درباب)»<sup>۴</sup> زنی سپید جامعه در خیابان‌ها، معبرها، مسیرها می‌گردد. عینک بر چشم دارد. روز است و فضای خارجی. زن چراغ‌قوه‌ای در دست دارد. روشن. نور به چشم افراد می‌تاباند و افراد گویی به خود می‌آیند. روزمرگی‌ها برای لمح‌های متوقف می‌شوند اما به دیده‌ی تردید به او نگریسته می‌شود؛ چونان یک غریبه با نگاه‌های اگزوتیک. ویدیو به زن مقامی اسطوره‌ای و آگهی بخش بخشیده است. او بر بالای یک بلندی می‌رود. چراغ را بالای سرش قرار می‌دهد. زن، درنگ است. «گرد شهر؛ با چراغ».



۵- در این اثر که عنوان «بردار زمان»<sup>۵</sup> بر خود دارد؛ می‌توان گفت تقابل جوانی و سالخوردگی در بدن زنانه تصویر می‌شود؛ به عبارت دیگر ویدیو آرت تلاقی نسل و جنسیت را مطرح می‌کند. دختر جوان دستش را روی دست زن سالخوره می‌گذارد. او سعی در پذیرش این امر دارد که به‌رغم تفاوت‌ها و زمان‌های زیسته‌ی نامتقارن و نابرابر، او در موقعیتی یکسان با زن فرتوت دارد. زن سالخورده انگشتانش را به‌طور کامل بر انگشتان دختر جوان منطبق نمی‌کند و به‌صورت نمادین از این پذیرش خودداری می‌کند. زمان و بدن در این ویدیو مقولاتی حائز اهمیت‌اند. زمان بر بدن‌ها یکسان نگذشته است. بدن‌ها تاریخ‌مندند و انطباق ممکن نیست.



<sup>4</sup> Go Find Yourself: Katya Nikonrova - Kazakhstan

<sup>5</sup> Linea De Tiempo/ Timeline: Camila Rodriguez -Colombia-

۶- اثر بعدی با عنوان «جنگل انبوه»<sup>۶</sup> کلاژی از تصاویر واقعی از یک جنگل و تصاویر انیمیشن سفیدبرفی. جنگ به صورت سیاه‌وسفید تصویربرداری شده و سفیدبرفی در این فضای سیاه و تاریک هراسان می‌دود. می‌گریزد اما تنهاست. صدای جیغ می‌آید و موسیقی متن ویدیو بر این هراس می‌افزاید. ویدیو شبیه لحظات پراسترس و پر تبوتاب فیلم‌های معمایی و جنایی می‌شود. خبر و واقعه‌ای ترسناک در راه است. تکان‌های دوربین زیاد است. هلاکت، قریب‌الوقوع است. شخصیت (کارتونی) زن، مورد هجوم نیروهای محیطی موهوم قرار دارد. «نجات‌دهنده در گور خفته است».

۷- در این ویدیو آرت با عنوان «زن»<sup>۷</sup> تصاویر و پرتره‌هایی از زنان به صورت نقاشی به تصویر درمی‌آیند. راز زیبایی و جاودانگی. تصاویر گویی فصل‌ها و اوراقی از یک دفتر خاطرات‌اند. نوشته‌های روی تصاویر رابطه‌ی ذهن و بدن و روح و جسم و هستی و عشق زنانه را به صورت مستقل روایت می‌کنند. زن چونان کتاب خاطرات. ورق خورده. ویدیو تأملی است بر هستی زنانه؛ وجودی اساطیری که زیبایی، جاودانگی و زایایی را نوید می‌بخشد.

۸- ویدیو آرت بعدی با عنوان «سازه: ظهور»<sup>۸</sup> بیش‌ازحد انتزاعی است. تصاویر از مجموعه‌ای سطح و صفحه و بافت می‌بینم که پاره‌پاره و بریده‌بریده‌اند. سطحی یکدست و صاف وجود ندارد. دوربین در لابه‌لای این سطوح و بافت چاک‌چاک سرک می‌کشد و موسیقی متن و آرشه‌های گوش‌خراش ویلن‌سل تجربه غریب و کابوس گونه‌ای از دیدن ویدیو فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد در فهمی نمادین و استعاری این تصاویر علاوه بر اینکه جنبه‌های درونی زنانه را نشان می‌دهد، خدشه‌دار شدن و به‌طور کل فرایند اضمحلال و پوست انداختن و تجدید حیات را در تجربه‌ی دیداری غریب به تصویر کشیده است.



<sup>6</sup> Mexico -Bosque Espeso: Amaranta Sanchez

<sup>7</sup> Female: Maria Papacharalambous - Cyprus

<sup>8</sup> Construct: Emergence, Hanae Utamura -Japan

۹- در ویدیو آرت «تولد در بهار»<sup>۹</sup> زن مشغول آویزان کردن لباس‌های شسته شده در فضای داخلی خانه است. تمام محیط داخلی را رخت‌ها و بندها در برمی‌گیرند. ویدیو نوعی پویایی و تحرک و شادابی در خود دارد. زن میان بندها و لباس‌های انبوه محصور می‌شود. نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای زنانه در این ویدیو نقش پررنگ و برجسته دارد. نقش زنانه، سنتی است. تصویر پایانی، فضای داخلی را آکنده از لباس‌های آویز شده، بدون حضور زن نشان می‌دهد. نوعی از خودبیگانگی. نیست شدن. زن در تکالیف روزمره غرق شده و به «وضعیت موجود» خو کرده؛ سرمست است و خموده به نظر نمی‌رسد.



۱۰- اثر بعدی با نام «ارتباط با امر نامرئی»<sup>۱۰</sup> تصویری است از یک زن سالخورده ژاپنی (ناکامورا؛ ۹۵ ساله) با نشان‌های پیری بر رخسار. او یک شمن است که سروده‌های دینی می‌خواند. همراهان با او سرود را می‌خوانند و تجربه‌ای مشترک شکل می‌گیرد. او از انرژی‌های موجود در جهان کائنات و رابطه با روح‌ها سخن می‌گوید. در اهمیت خرد، شهود و خودآگاهی به بدن و ذهن. او از چالش احساس مثبت کمک به دیگری می‌گوید. ویدیو نشانگر یک مراسم دینی است. شمایل زن دست‌کمی از یک پیشوای مذهبی و آیینی ندارد. او در موقعیت پذیرش مطلق است و سرش را به نشانه اطاعت کاملاً پایین انداخته است.

۱۱- ویدیو آرت دیگر با عنوان «مُودرا هرروزه»<sup>۱۱</sup> (-) تصاویری از یک دست متحرک (زنانه) است که با انگشتان و فیزیک دست اشکالی را ایجاد می‌کند. یکی از اشکال وی و نماد پیروزی است. انگشتشان مرکزی سپس به سمت دوربین و خود فاعل نشانه می‌رود. تیری ناملموس شلیک می‌شود. دست به شکل بسیط اولیه بازمی‌گردد. انگشت وجه اعتراضی می‌گیرد. دست چپ در کنار دست راست قرار می‌گیرد. گویی امری تکمیل و کامل می‌شود دستان وجه حمایت‌گرانه به خود می‌گیرند. ویدیو گویی از قابلیت‌های کشف ناشده بدن انسانی سخن می‌گوید. تن سخن گوست آن

<sup>9</sup> Born In Spring: Sudsir Pui-Ock - Thailand

<sup>10</sup> Connecting The Invisible: Madelon Hooykass - The Netherlands

<sup>11</sup> Everyday Mudras: Doris Mayer - Austrian

چنانکه دست‌ها قصه‌گویند. (مودرا زبانی بدنی، نمادین در سرزمین هند و آیین بودایی است. این بیان بدنی با استفاده از حرکات دست و انگشتان انجام می‌شود).



۱۲- در اثری ارزشمند و پر تأویل با عنوان «محرمانه یا پشت درهای بسته»<sup>۱۲</sup> شاهد فضای سیاه با موسیقی هول‌آور هستیم. یک لوکیشن خارجی باز. فضایی شبیه ساحل. فیلم سیاه‌وسفید گرفته‌شده است. مردانی انبوه مشغول بازی‌اند. فوتبال ساحلی. تصاویر در هم محو می‌شوند اما واقعیت یکی است. تن‌های نیمه پوشیده رها و بی‌قید است. رفت‌وآمدها. حرکات. تا چشم کار می‌کند، پیکر مردانه موجود است. مردان فضای عمومی خارجی را در تملک و انحصار دارند. فیلم از یک غیاب ساختاری معنادار معنا می‌گیرد؛ حذف زنان. به زبانی نشانه‌شناختی تقابلی موجود اما نامحسوس. در مقام تفسیر می‌توان گفت فیلم رابطه‌ی فضا و جنسیت را برجسته می‌کند.



<sup>12</sup> Huis Clos, Zoulikha Bouabdellah –Algeria

۱۳- ویدیو آرت «ایشتار»<sup>۱۳</sup> دختر بچه لبخند رضایت دارد اما صداها متغیرند. صدای هلهله. شور. پای کوبی. بعد به صدای ستیز قطع می‌شود. موقعیت پرتنش می‌شود. صدای مُشت می‌آید. تصویر ثابت است. لبخند و ایستایی شخصیت پابرجاست. ویدیو آرت گویی سرگذشت یک زن است که اشارتی بر قصه‌ی متغیر زیستن زنانه دارد؛ الزام به پذیرش و رضایت‌مندی. موقعیت وجودی شخصیت ویدیو همچنین کلیتی از الگوی «زن بهنجار» شرقی به دست می‌دهد؛ زن، بی‌صداست. تقدیری تراژیک و حزن‌انگیز.



۱۴- در ویدیو آرت بعدی با عنوان «زندگی عیان‌شده‌ی او»<sup>۱۴</sup> محو شدن چهره‌ی زنی پیر در زنی جوان را می‌بینیم. فوکوس روی بافت صورت و زوم بی‌نهایت. چشمان بسته‌ای که باز می‌شود. دختر جوان در ابتدا چشم‌بسته است. سپس چشمانش را می‌گشاید. تصویر به تصاویری بسته از دستان پرچروک و پیرزن سالخورده برش می‌خورد. بدنی سالخورده و فرسوده شده. ایده‌ی کهولت و تقابل با جوانی و سرزندگی تن و جسم در سطح دلالت اولیه بیشتر به ذهن متبادر می‌شود. دستان زن سالخورده و دختر جوان یکدیگر را در برمی‌گیرند. تجربه‌ای از پیوند و اتحاد دو تن. فارغ از جفای زمان بر تن زبان بسته. واپسین نما، اکس‌تریم کلوز بر رخسار زن فرتوت است. رازی درون چشمانش.



<sup>13</sup> Ishtar: Raya Mazigi – Lebanon

<sup>14</sup> Her Life Unwrapped: C.M., Judge – Usa

۱۵- در ویدیو آرت با عنوان «گریه»<sup>۱۵</sup> صدای گریه یک کودک می‌آید. تصاویر به ن ماهایی از فضای داخلی خانه، وسایل بازی، کتاب قطع می‌شود. یک زندگی جاری خانگی. نوشیدن چایی. سپس شاهد فضایی خارجی و مرزها و خطوط هستیم. خطوطی که در فضای بیرونی ترسیم‌کننده قانون و حدودند. رنگ قرمز یک موتیف تکراری در ویدیو آرت به نظر می‌رسد. چراغ قرمز است. کلیدهای آسانسور رنگ حاشیه‌ای قرمز دارند و در قلم‌دان و لوازم‌تحریر، خودکار قرمز رخ‌نمایی می‌کند. تصاویری از میکروفر. پرینتر چاپ و یک حیوان روی میز تحریر در ادامه به تصویر کشیده می‌شود.



۱۶- در ویدیوی به نام «پاک کردن پیام»<sup>۱۶</sup> اعداد انگلیسی بر یک صفحه خیس در حال تکان خوردن و تغییرند. ویدیو این بازتاب را نشان می‌دهد. ایده‌ی تغییر در عین تکرار اعداد و سیالیت و چرخش مهم به نظر می‌رسد. پس‌زمینه بشدت تاریک است. موسیقی متن مانند ویدیوهای پیشین، زاینده هراس است. شخصی با جارو این صفحه خیس را پاک می‌کند. اعداد مجدداً بازتاب می‌یابند. رنگ‌ها به نظر روشن‌تر می‌رسند. شبیه لکه‌های خون. اثری که زدوده نمی‌شود. ردی که برجا می‌ماند. گردش‌ها اما تداوم دارند.

۱۷- در این ویدیو آرت با عنوان «زن - زنان»<sup>۱۷</sup> که بصورت سیاه و سفید ضبط شده است، زنی در جامه سپید مشغول بندبازی است. وجه دیونوسوسی دارد. گویی می‌رقصد. لوکیشن خارجی و در فضایی طبیعی یک جنگل است. زن می‌لغزد. تعادلش را حفظ می‌کند و نمی‌کند. سقوط می‌کند. فروافتادن آزاد. تصویر به تظاهرات زنان و اعتراض‌های زنانه در جغرافیای‌های فرهنگی متفاوتی قطع می‌شود. فریاد می‌زنند: برای همه‌ی ما، برای حقوق‌مان.

۱۸- این ویدیو آرت Arznisantarium:Lusine Talayan -Armenia تصاویری از لوکیشن خارجی یک مجتمع مسکونی اما شبه ویران است. روی تصویر، جملاتی نقش می‌بندد: "همه‌چیز از قبل تعیین معین شده است (تصمیم گرفته شده است)". فضای داخلی ویران است. تصویر قطع می‌شود بر یک نوشته دیگر: "زن برای شماست. عشق کشور بزرگی است". تصاویر مات و مبهم‌اند. آینه کدر است. دگر بار شاهد گزاره‌ای تازه هستیم: "پاییز ابدی است". تصویر به

<sup>15</sup> The Cry: Sara Malinarich – Chile

<sup>16</sup> Cleaning The Message, Raquel Kogan & Lea Van Steen - Brazil

<sup>17</sup> Femme – Femmes: Veronique Sapin - France



فضای داخلی و مردی که روبروی تلویزیون نشسته است، قطع می‌شود. جمله‌ی پایانی این است: "فردا بهتر از دیروز است".

۱۹- ویدیو آرت با عنوان «شکل یا ش - م - آ - ی - ل»<sup>۱۸</sup> شمایل یک زن چاق خمیری با رنگ تند را ابتدائاً تصویر می‌کند. در اینجا پیکره‌ای خمیری به مرور و تا آنجا تراشیده می‌شود تا به یک «باربی» برسد. روی تصاویر متنی روایت می‌شود: "چطور (می‌توانید) یک زن کامل باشید؟ همیشه خوب باش، همیشه دندان‌هایت تمیز باشد، موهایت چرب نباشد، همیشه لباس زیبا بپوش، زیاد نخور، هرگز عصبانی نشو، همیشه خندان باش، همیشه زیبا باش، هرگز غر نزن، شام همیشه آماده باشد. از هرچه دوست داری، صرف‌نظر کن. از رویاهات چشم‌پوش. همه‌چیز را بپذیر. مردان را همیشه دوست بدار". به نظر می‌رسد ویدیو، اثری است نقادانه که نقد هوشمندانه‌اش را متوجه رسانه‌ها و جامعه (انتظارات و توقعات جامعه‌ی مردسالار) می‌سازد. ویدیو همچنین با نگاهی طعنه‌آمیز به صورت ضمنی و تلویحی از ایدئال‌های جامعه‌ی مصرفی سرمایه‌داری و کالایی شدن بدن زن و بایدها و نبایدهای حول بدن زنانه صحبت به میان می‌آورد. ویدیو نشان می‌دهد زنان برای رسیدن به «استانداردهای اجتماعی و زیبایی‌شناختی» باید تا سر حد پوست کنده شدن پیش بروند. فیلم یادآور این گزاره است که ایده‌ال زیبایی و شخصیتی برساخته‌ی جامعه و نظام‌های معانی مسلط آن است. دوبوواری می‌گفت: زن بت است، الهه است، مادر است، جادوگر است، پری است؛ اما هرگز خودش نیست.



۲۰- در اثری با عنوان «بدون شرح»<sup>۱۹</sup> یک تصویر نقاشی زنی جوان و خوش‌سینما در پس‌زمینه قرار دارد. تصویر یک زن حقیقی نیز در پیش‌زمینه ویدیو به چشم می‌رسد: سالخورده با گیسوان سپید. صورت پرچروک. در قابی نیم‌رخ از صورت. زن پس‌زمینه لبخند بر چهره دارد. زن مُسن، ساکت و منجمد و خیره به روبروست. لب‌هایش می‌لرزد و ناگهان به سمت دوربین رو می‌کند. چرخش ناگهانی سر با ضربه و کوبش موسیقی، افشاگر و خیره‌کننده است. ویدیو آرت، سالمندی را از منظری زنانه مورد تأمل قرار می‌دهد.

<sup>18</sup> S/H/A/P/E, Ste Ternes - Luxembourg

<sup>19</sup> No Comment: Vouvoula Shoura - Greece



۲۱- ویدیو آرت بعدی با عنوان «صدای انفجار»<sup>۲۰</sup> تصاویری از اعتراضات و جنبش‌های زنانه با نواری قرمز رنگ بر محور افقی تصویر است. خشم‌ها و فریادها به صورت محوشده و مات (روی تصویر) به گوش می‌رسند. صداهای هشداردهنده است. کنتراست رنگ مشکی زمینه ویدیو و نوار قرمز روی کادر تصویر معنادار است. قاب‌های نمایش‌دهنده اعتراضات کوچک و محدود تصویر شده‌اند. گویی ناچیز و کم‌اهمیت‌اند یا نادیده انگاشته شده‌اند.

<sup>20</sup> Peru -Blow Voice: Angie Bonino